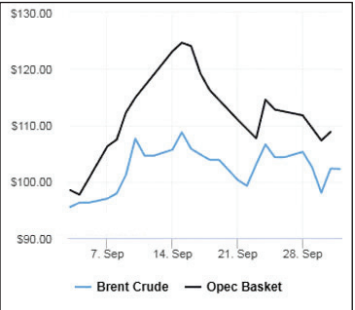


قیمت نفت پس از تصمیم برای آزادسازی ذخیره سازی ها کاهش یافت

[illegible]

خت

نحوه سوخت گیری با کارت های اضطراری جایگاه سوخت

طرح شناسهادر کنار کربانهای اضطراری جایگاههای سوخت که با هدف قابل ردیابی شدن تراکشی های آتشپاشیده با توجه به اضطراری و مدیریت بهینه مصرف سوخت طراحی شده، در حال حاضر به صورت آزمایشی در ۵۴ جایگاه منتخب شهر تهران اجرا شده و طبق اعلام مدیر سامانه هوشمند سوخت، قرار است تا سه ماهه آینده در سراسر کشور اجرا شود. به گزارش ایسنا، اوایل سال جاری شرکت ملی پخش فراوردههای نفتی اعلام کرد، قرار است تراکشی های سوخت اضطراری را در ۵۴ جایگاه منتخب انجام می دهد، که کار است راهشود. در این زمان اعلام شد، این طرح ابتدا در تهران و در دو جایگاه سوخت به صورت پایلوت اجرا خواهد شد. هدف از اجرای این طرح، قابل ردیابی شدن کارت اضطراری را سوخت خواند، شد است تا در صورت مراجعه فرد به جایگاه و استفاده از کارت اضطراری، مشخص باشد چه شخصی و با چه مشخصاتی از این کارت استفاده کرده است. با شناسهادر شدن کارت آزاد جایگاه تراکشی کارت از جایگاهدار گرفته شده و به خود مردم داده می شود. به این معنی دیگر محدودیتی روی کارت آزاد جایگاه اعمال نمی شود، بلکه هر فردی که به جایگاه مراجعه می کند، ابتدا کارت او هیت شده و سپس متناسب با سیاستی که برای مصرف او اعمال شده است، امکان سوخت گیری خواهد داشت. پیش از این نیز این طرح در یکی دو جایگاه تهران به صورت آزمایشی در حال اجرا بود، تا دامه به کار کشور تسری داده شود. براساس این طرح، هر فردی که جایگاه مراجعه می کند، ابتدا از روی کارت سوخت و متناسب با سیاست مصرفی که برای او اعمال شده، سوخت گیری انجام می دهد. در همین راستا، شرکت ملی پخش فراوردههای نفتی ایران چندین پیش از آغاز اجرای آزمایشی طرح شناسهادر کردن کارت های اضطراری جایگاهها در ۵۴ جایگاه منتخب شهر تهران خبر داد. براساس اعلام این شرکت، اجرای این طرح در راستای تحقق اهداف هوشمندسازی نظام توزیع سوخت و استعلام شدن هدف آن تسهیل فرآیند سوخت گیری، کاهش صفهای انتظار، افزایش شفافیت و فراهم کردن زمینه مدیریت بهینه مصرف سوخت است. در فرآیند جدید، متقاضی می تواند با قرار دادن کارت سوخت خود در دستگاه کارت خوان (POS) پس از احراز هویت، بدون واسطه سوخت گیری کند. این شیوه می تواند سرعت سوخت گیری را افزایش داده و از تصدیق گیر جایگاهداران در این فرآیند بکاهد. در ادامه حضور - در سدهم صفر ۱۴۰۲ - شرکت ملی پخش از طریق کارت های اضطراری جایگاهها انجام می شود. هدف از طرح جدید در بهینه سازی سوخت گیری و با هدف ایجاد شفافیت در داده های هویتی و مکانی و همچنین بستن سترهای رای اجرای سیاست های بهینه مدیریت مصرف و جلوگیری از انحراف مصرف انجام می شود. این امر، سوخت گیری با کارت اضطراری را در جایگاهها پیوز، سوخت گیری با کارت سوخت متقاضی را به کارت بانکی خود، در از ریزو قرامی دهد و پس از انتخاب دقیق لیتراژ مورد نیاز، میزان سوخت مورد نظر را به مقصدی اعلام می کند. برای مثال، ۱۰ لیتر - سپس، مر کارت بانکی را رد می شود و با فاصله یک و سه چارهای رقمی تولید خواهد شد. پس از این مرحله، کارت سوخت اضطراری جایگاه وارد دستگاه شده و برای تولید رقمی کارت اضطراری این روش جدید فقط بر روی قاپوردهای کارت اضطراری است. سوخت گیری هوشمند فقط با یک مر انجام می شود. طبق گفته مدیر سامانه هوشمند سوخت، طرح شناسهادر کردن کارت های اضطراری سوخت در برخی جایگاههای تهران اجرا شده و قرار است تا سه ماهه آینده در سراسر کشور اجرا شود.

نفت و انرژی

یکشنبه ۱۲ مهر ۱۴۰۵ | ۲۲ ربیع الثانی ۱۴۴۸ | سال سیزدهم | شماره ۳۴۲۶ | Sun, Oct 4, 2026

گزارش «تعادل» از کارنامه انرژی در تابستان ۱۴۰۵

تغییر یارادایم مصرف؛ خانه در صدر، صنعت در حاشیه



ثبت‌شده در کارنامه تابستان ۱۴۰۵، صرفاً با تغییر فصل به تاریخ نوبت پیش‌بینی، بلکه همچو ماهی تومی و روکوی آن در بازی‌های زمستان‌پسند، بود و باز آزار خودخواه‌شده: کار خدایچه که در طول تابستان باافت تحصیلی بر یاقلعی‌های منظم دست‌به‌گریبان بوده، تاگزیر است زیرنه‌های ثابت پرسنلی، مالی و استهلاک خود را، وضعیت تیرازشده کارلاسرخ‌کندناسترسقیم‌ان‌رو، وریعیت چش رخ تمام‌شدن کارلاهای صنعتی و تفریق تورم ساختاری به باز‌های پاییزه‌است. پیش‌ان‌های صادرات غیرنفتی از صنایع فلزی گرفته تا محصولات شیمیایی و پترولیومی نیز، مدت‌ناتی در جریان تولید هستند. تا سهم انرژی صنعت به معنای عدم ایفای تعهدات انرژی و تاخیر بر بازی‌های محموله‌های بین‌المللی است: زبانی که جبران آن در بازی‌های منطقه‌ای بسیار دشوار خواهد بود. اکنون که پاییز آژند شده و مصرف سرشامی به حداقل رسیده‌است، بهترین زمان برای تجدیدنظر در استراتژی مدیریت با فرار رسیده‌است. تکرار روکود تابستان ۱۴۰۵ در سال‌های بعد، کشور را وارد مرحله استازاری با گشت‌ناب‌پیری کند: تسهیل گمرک‌های ارزی و اعتباری

پنل‌های خورشیدی وارداتی با اصالت هستند؟

همان محصول صادر شده و باید دستمزد متعلق به محصول دیگر مواجه نیستیم، به همین دلیل ابتدا آزمایشگاه‌هایی که قرار است تایید یا رد شوند گروهی را انجام داده‌اند مورد اعتبار سنجی قرار می‌گیرند؛ اعتبار آنها، استانداردهای آن‌ها استفاده و ارتباط آن استانداردها با پیل بررسی می‌شود تا مشخص شود «پایه تست» همان در مدار همراه محصول بر مبنای یک سند رسمی و معتبر صادر شده‌اند یا گفته او پس از آن نوبت به خود پیل می‌رسد. محصول استاندارد طبق داده می‌شود و برخی آزمون‌هایی که در حوزه «پایه تست» انجام شده‌اند به عنوان تست شاهد دوباره تکرار می‌شوند تا اطمینان حاصل شود درست ثبت نشود. در پایان باید مشخص شود یک پیل محصول استاندارد رسانی شده دارد آیا «کیومت» معتبر بوده و هستیم، در ادامه همین مسیر، برای یک سری نشان هم می‌سازد یا به‌هکری سایتان قابل مشاهده است؟ در این مرحله با مجموعه مربوط در ساتبا هماهنگ شده و قرار می‌گیرد تا محصول پس از دریافت فرآیند پیش‌بینی شده، نشانی را بعنوان «IR-RE» در پیل قرار دهند و حال نکته اینجاست که اگر یکی از این طرح هنوز مربوط نشده و آنچه را همان حاضر انجام می‌شود، پیاده‌سازی زیر ساخت‌های آن نیست. اینجا دیگر سوال فقط استاندارد هست یا نیست؟ سیستم سوال این است که محصول استاندارد است یا نه؟ هرچیزی که استاندارد است در آن کار کنید نیز مناسب هست یا نه. مدیر زارسی فنی شرکت آزمایشگاه‌های صنایع انرژی ایران در توضیح نقش نهادها می‌گوید: سازمان ملی استاندارد می‌تواند به عنوان مرجع اصلی ضرر داشته باشد اما آنجا که حوزه فعالیت این سازمان دامنه عمومی‌تری از ساختارها و تجهیزات را شامل می‌شود، حوزه خوردیشدی به یک مولوی تخصصی نیز نیاز دارد. ساتبا به عنوان طرف تخصصی این حوزه می‌تواند زیر ساخت مربوط به فرآیند اجزای مختلف محصول و نشان‌های بومی سازی شده را پیاده‌سازی کند. دانش پیام درباره رهایی که تاکنون مورد بررسی قرار گرفته‌اند، تاکید می‌کند که «ساتبا» و «کیومت» نمی‌تواند تنها محصول را تأیید شده است، می‌خواهم بگویم پیل‌های که وارد کشور شده‌اند پیل‌های نیستند که بی‌ناموشان باشند؛ پیل‌های نیستند که اندازه‌تشان استاندارد در این میان، به پرسش دیگر می‌رسد چرا محصولات مجموعه‌ای که آزمون انجام می‌دهد، خود چه جایگاهی دارد؟ کسی دیگری نتواند بر نتیجه آزمایش‌ها اعمال نظر یا تاثیر گذاری کند؛ باید دید قیافه اساس چارچوب استاندارد چیست؛ چگونه می‌تواند آزمایشگاه‌هایی نتواند تایید کردن صادر کرده، بر اساس همان استاندارد دفاع کنند. نقش سازمان ملی استاندارد در همین زمینه و فرامی‌گیرد؛ دانش پیام در این باره می‌گوید: این سازمان به عنوان مولوی استاندارد رسانی کشور، فرآیند مربوط به اجزای سازنده استاندارد در حوزه پیل‌های خوردیشدی را دنبال می‌کند تا مردم، دستور و بازخورد خوردیشدی را دنبال می‌کنند تا مطمئن شوند گاداران و بخش خصوصی از محصولی استفاده کنند که همه الزامات استاندارد داخلی را داشته باشند و معیار استاندارد بین‌المللی در آن رعایت شده باشد. از نگاه دانش پیام، داشتن تجهیزات به تنهایی برای تبدیل شدن به آزمایشگاه کافی نیست؛ شرط تک‌هوا آزمایشگاه‌هاست که می‌تواند بر حوزه مصرف قابلیت کند. برای هر چیزی که «اسکوپ» یا دامنه کاری مربوط به همان محصول را داشته باشند، بازرسی‌هایی که در شرکت‌ها حضور پیدا می‌کند بسیار متنوع است و صلاحیت‌هایی را که مراجع ملی از آن‌ها انتظار دارند، قابل ارزیابی است. او IEC/ISO ۱۷۰۲۵ را یکی از استانداردهای مورد استفاده برای مرجع آزمایشگاه معرفی می‌کند که امکان صدور گزارش‌های آزمون را در چارچوب مربوط فراهم می‌کند.

برای صناعی که در حملات اخیر خسارت دیده‌اند، باید در اسر برآمده باشند تا ظرفیت بیشتر تولید کنند. سید علی حسام‌شود، مدیرعامل سازمان صنایع کوچک، متوسط و بزرگ می‌گوید: «در حال حاضر تولید دیگر به تصمیمات سیاست‌پسندگ سراسری متصل نماند. توسعه نیروگاه‌های مقیاس کوچک، تجدیدپذیر و هیدروبرقی در درون سیاست‌های تولیدی، تنها دایره آتشین در برابر حمله‌های فصول گرفتند است؛ توان از کارخانه‌دار خواست تولید از شرکت‌های دولتی که در حال حاضر ساختمان‌های دولتی یا چونود تعرفه‌های نامعنا در مدار مصرف‌فرایند باشد یا از بازارهای با ناکارآمدی‌هاست به صرفه‌باشند. کارنامه تابستان ۱۴۰۵ یک سند تمام‌عاری است. یک تناقض خطرناک است: «صرف به نفع استراحت اوج گرفت، در حالی که تیریزی بحر که کار از نفس افتاد».

اگر از رفا به بخش‌های از زمین‌دستا، امین رفا رفا و رفا به تعطیلی کارخانه‌ها از افتتاح چرخه‌های تولید پرداخت شود، در بلندمدت پایدار نخواهد ماند. رنگ خمری که در پایان این تابستان به صدر درآمد نباید در خطری پاییز فروموش شود؛ چرا که تابستان ۱۴۰۶ بسیار سریع‌تر از آنچه فکر می‌کنیم از راه می‌آید.

[illegible]

ادامه از صفحه اول

شهری که بلد است
دوباره ساخته شود

س پرسش اصلی دیگر این نیست که شهر چگونه به هر طریقی مقاومت کند؛ پرسش این است که هر چقدر ظرفیت تغییر ساختار خود را دارد و دست همین جاست که کسب کارها دوباره وارد میدان می‌شوند. اگر قرار است شهر خود را بازآفرینی کند، کسب کارهایش می‌باید همین توان را داشته باشند، نگاه‌های محلی اگر فقط منتظر بازگشت شرایط گذشته باشند، اما اگر همین که به همان گذشته گره می‌خورد، اما همین کسب کارها بتوانند در حل بحران محصول تازه، به‌سازند، بازار تازه پیدا کنند، فناوری تازه به کار بگیرند، قبل از درمی‌شان را عوض کنند و از نخست‌های قلمی راهی شهر می‌شوند و خودشان شبکه اقتصادی ظرفیت بازسازی خودش را پیدا می‌کند. به همین دلیل، توان بازآفرینی شهر تا حد زیادی از توان بازآفرینی اعضای آن می‌باشد.

البسته این فقط درباره کسب و کار نیست. دانشگاه شهر هم باید بتواند خودش را با نیازهای تازه؛ نظام مهارت آموزی کند. برای مشاغل آماده باشد که هنوز شکل نگرفته اند. فضاهای شهری باید بتواند وقتی نیازهای اقتصادی و اجتماعی عوض شد، کاربری تازه پیدا کنند.

برپرساخت حمل ونقل باید با کوههای جدید
تکمیل شود. نظام عمرانی باید از
اصلاحیه‌های متمرکز، به تفصیل شهری
دگربنده و مشارکتی حرکت کند. سرمایه‌گیری
باید بتواند از فعالیت‌های کم‌ارزش به فرصت‌های
مستقل شود و فرهنگ شهر هم باید به قدر
کافی باز باشد که ایده تازه، کسب‌وکار تازه
زندگی تازه را پس‌زنند. در چنین نگاهی
آفرینی دیگر می‌پروژه عمرانی نیست؛
بلکه سیستمی است.

[illegible]

کارآفرینی فقط ایجاد یک شرکت جدید نیست. به معنای ساده‌تر، کارآفرینی یعنی توانایی دیدن فرصت در هر شرایطی که الگوهایی قبلی دیگر جواب نمی‌دهند؛ توانایی ترکیب دوباره منابع موجود و اختراع راه‌های جدید، آزمایش کردن، پذیرفتن خطای کنترل‌شده و تبدیل ایده به ارزش اقتصادی و اجتماعی.

از این روایه، شهر کارآفرین صرفاً شهر نیست؛ بلکه دارای شهر و مرکز نوآوری و شتاب‌دهنده بیشتری دارد؛ شهری است که قابلیت ساختن و پایداری دارد. چنین شهری در برابر صحنه فقط باقی‌مانده نیست؛ بلکه می‌سازد؛ اگر یک صنعت اگر یک کارآفرین بود، مستعد دیگری جایش را می‌گیرد، اگر یک بازار از دست برود، بازار تازه‌ای پدید می‌شود؛ اگر یک مهارت یا ارزش شود، یک مهارت دیگری جایگزین می‌شود و اگر یک بران نشان دهی که شهر بیش از حد به یک منبع یا یک مسیر وابسته بوده، همان بران فرصتی می‌شود برای کسی که در همین وابستگی، شاید به همین خاطر نمی‌تواند از مهم‌ترین شاخص‌های آینده شاهرها، به میزان دارای‌شان است، نه تعداد پروژه‌های عمرانی است؛ و حتی نه نرخ رشد اقتصادی‌شان است؛ بلکه تعداد و کیفیت نرخ‌های است که برای سازهایی از آینده در اختیار دارند.

شهری که فقط یک موتور اقتصادی دارد،
شهری که موتور آن همان یک شرکت
است؛ اما شهری که دهها موتور کوچک
راز دارد، می‌تواند یکی راز دست بدهد و
یکی را روشن کند.
شهری که دانشش متمرکز نیست، در بحران
پیشتاز می‌گردد؛ شهری که سرمایه‌اش
را به یک صنعت محدود نشده، می‌تواند آن را به
یک فرصت‌های تازه هدایت کند و شهری که
حکومت آن از تجربه کردن می‌دهد، لازم
است برای هر تغییر کوچک منتظر یک تصمیم
بزرگ و دیر هنگام ماند.

در چنین شهری، بحران دیگر فقط یک تهدید نیست؛ آینده‌ای است که ضعف‌های ساختاری شهر انسان می‌دهد و شاید مهم‌ترین آزمون مدیریت شهری هم همین باشد؛ نه اینکه در روزهای آرام، شهر چقدر خوب اداره می‌شود، بلکه وقتی قواعد بازی عوض می‌شود، شهر چقدر سریع می‌تواند قواعد تازه خودش را بسازد.

واقعاً همین جاست که آینده شهرها از گذشته‌شان جدا می‌شود. ممکن است دو شهر براننداز و جمعیت و منابع مشابه، وارد یک بحران شوند؛ اما چندان‌سال بعد، یکی از آنها ضعیف‌تر و وابسته‌تر باشد و دیگری اقتصادی متنوع‌تر، کسب‌وکارهای تازه‌تر، نیروی کاری زودبازگشت‌تر و زیرساختی منطقی‌تر و حکمرانی‌ای از شهر زودبازگشت‌تر داشته باشد. فرق این دو شهر لزوماً در رشد چرانی نیست که از گذرانده‌اند؛ در دیوان بازی‌های آنهاست.

سوال تازه را جدی تر بگیریم: آیا با فقط داریم یک راه را برای مدیریت بحران؟ آماده می‌توانیم به برای ساختن شهرهای متفاوت بعد از بحران؟ جواب فقط مدیریت بحران باشد، احتمالاً نه. دوباره همان ساختن قبلی را تحویل می‌گیریم. اما اگر جواب بازار قبلی باشد، بحران می‌تواند به یک نقطه‌ای تبدیل شود که شهر از همانجا مسیر جدیدی را شروع کند. در واقع شهر آینده شهری نیست که همین زمین نمی‌خورد. شهری است که بعد از هر زلزله، مجبور نیست دوباره همان ساختن قبلی باشد.